

آیا بهاییان در کمیته مجازات نفوذ داشتند؟

۱۷ مهر ۱۳۹۵ ساعت ۱۸:۴۱

وجه بهایی بودن اعضای کمیته مجازات و نقش مخفی و قابل توجهی که فرقه ضاله بهائیت در این ایام و در راستای تحقق سیاست های استعماری بریتانیا برعهده داشت، مسأله مهم و قابل تأملی است، عملیات تروریستی و قتل های پشت سرهم دوران مشروطه از مهم ترین عوامل در ایجاد یک بحران عظیم و عمیق است که تأثیرات روانی و تبلیغی و فرهنگی عظیمی بر جای گذاشت...

وجه بهایی بودن اعضای کمیته مجازات و نقش مخفی و قابل توجهی که فرقه ضاله بهائیت در این ایام و در راستای تحقق سیاست های استعماری بریتانیا برعهده داشت، مسأله مهم و قابل تأملی است، عملیات تروریستی و قتل های پشت سرهم دوران مشروطه از مهم ترین عوامل در ایجاد یک بحران عظیم و عمیق است که تأثیرات روانی و تبلیغی و فرهنگی عظیمی بر جای گذاشت و در فاصله چهارسال آنچنان بی تفاوتی در جامعه به وجود آورد و ساخت سیاسی کشور را چنان خنثی و آلوده کرد که در نهایت با هجوم چند صد نفر قزاق به سرکردگی رضاخان میرپنج از قزوین، پایتخت کشور به سادگی و بی هیچ مقاومتی به تصرف آنها درآمد و با سقوط حکومت قاجار، مشروطیت به سرنوشت شوم دیکتاتوری پهلوی دچار گردید.

این موضوع که اعضای کمیته مجازات از پیروان فرقه بهائیت بودند و با طرح و برنامه استعماری به صحنه فراخوانده شده بودند یک ادعا نیست و اسناد و مدارک متعددی برای اثبات آن در دست است.

برخی نویسندگان نیز عملیات کمیته مجازات را اعتراض انقلابی در مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ و دولت وثوق الدوله خوانده اند و این درحالی است که کمیته مجازات در زمان اولین دولت وثوق الدوله در سال ۱۲۹۵ ش. / ۱۹۱۶ م. و در اوج وقایع پس از صدور فرمان مشروطیت تأسیس شد و تنها پنج ماه (تا پاییز ۱۲۹۶/۱۹۱۷) فعالیت کرد. بنابراین، عملکرد آن ربطی به قرارداد ۱۹۱۹ نداشت. (۱) بنیانگذاران و اعضای اصلی این کمیته از افرادی چون سرتیپ اسدالله خان ابوالفتح زاده، سرتیپ ابراهیم خان منشی زاده (۲) (که هردو از اعضای قدیمی بریگاد قزاق بودند)، محمدنظرخان مشکوه الممالک، احسان الله خان دوستدار، میرزامحمدخان نجات خراسانی، سردارمحبی (برادر میرزا کریم خان رشتی، جاسوس معروف انگلیس) کریم دوانگر و میرزا علی اکبر ارداقی تشکیل می شد که زندگینامه همه آنها بشدت آلوده واکثر آنها از پیروان فرقه ضاله بهائیت بودند. هسته مرکزی کمیته مجازات ابوالفتح زاده (به عنوان رئیس کمیته) و منشی زاده و مشکات الممالک بودند و مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران، سرتیپ اسدالله خان ابوالفتح زاده و سرتیپ ابراهیم خان منشی زاده را از پیروان فرقه بهائیت معرفی می کند. (۳) این موضوع را عبدالله متولی نویسنده کتاب کمیته مجازات نیز تأیید می کند و افزون بردونفر نامبرده، مشکوه الممالک را هم پیرو این فرقه می داند. (۴)

پس از ترور اسماعیل خان رییس سیلوی تهران، شبنامه ای از سوی «کمیته مجازات» منتشر می گردد که مسؤولیت اجرای این ترور را برعهده گرفته و ضمن بیان شعارهای ظاهراً انقلابی سایر افراد و مسؤولان را به مرگ تهدید می نماید.

یکی از اعضای «کمیته مجازات» به نام میرزاعلی اکبر ارداکی در خاطرات خودبه این شبنامه اشاره می کند و می نویسد:

«انتشار این شبنامه به مراتب از قتل میرزا اسماعیل خان بیشتر تولید وحشت و اضطراب کرد. من و عمادالکتاب افراد گمنامی بودیم و سه نفر دیگر نیز بهایی بودند. لذا این خود موجب شد که کسی درباره ما پنج نفر سوءظنی نبرد. . .» (۵)

مدتی بعد، اعضای کمیته شناسایی و چند تن از ایشان دستگیر شدند. ابوالفتح زاده و منشی زاده در ۲۶ ذیقعده ۱۳۳۶ قمری، به شکلی مرموز در سمنان به قتل رسیدند و احسان الله خان دوستدار به قفقاز گریخت. مشکات الممالک نیز پس از مدت کوتاهی آزاد شد.

در زمان دستگیری اعضای کمیته مجازات، فرقه بهائی در دستگاه نظمیه از چنان نفوذی برخوردار بود که بتواند پرونده را به شیوه دلخواه خود فیصله دهد. نفوذ بهائیان در نظمیه از زمان ریاست کنت دو مونت فورت بر نظمیه تهران آغاز شد. عبدالرحیم ضرابی (۶) (بهائی کاشانی) معاون او و کلانتر تهران بود و به این دلیل به عبدالرحیم خان کلانتر شهرت داشت. (۷)

پس از دستگیری اعضای کمیته مجازات، احمدخان صفا، مسؤول پرونده فوق در نظمیه، به شکلی مرموز به قتل رسید. در این زمان، گروهی به نام «کمیته سیمرغ» طی اطلاعیه ای خطاب به رئیس الوزرا قتل صفا را ناشی از مماشاتی دانست که دولت در قبال بهائیان در پیش گرفته. گروه فوق مدعی بود که در تنظیم پرونده تنها نام ابوالفتح زاده و منشی زاده که بر خلاف میل مسؤولان دولت تصادفاً به تله افتاده اند، ذکر شده و در مورد مشارکت سایر بهائیان مسکوت مانده است. در این اعلامیه چنین می خوانیم:

«احسان الله خان، قاتل منتخب الدوله و احمد آقای روحی و میرزا ضیاءالله که عضو عمده کمیته تروریست بودند، هر کدام در یک محلی مشغول عیش و نوش می باشند. . . ما، که بر تمام احوال و اسرار اطلاع داریم، نخواهیم گذاشت که کابینه وزرا از طایفه (بهائی) تشکیل شود زیرا که اینها شروع به وزیرکشی هم خواهند کرد تا اینکه دیگر کسی زیر بار وزارت نرود و میدان را برای خود مصفا نمایند. . . این رشته سر دراز دارد». (۸)

